

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات

**سیر عرفان نظری در آثار سنانی . احمد غزالی**  
**و**  
**عین القضاء همدانی**

نگارش : محمد آهی

استاد راهنما : دکتر محمد حسین بیات

استادان مشاور : ۱- دکتر سید محمد ترابی ۲- دکتر محمود بشیری

کتابخانه ادبیات  
دانشگاه علامه طباطبائی

رساله برای دریافت درجه دکتری  
در رشته ی  
زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۴ ۱۱۶۷ ۸۲۷ ۱ ۱۱

اسفند ۸۵

۱۰۱۰۲۰

فرم گرده آوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان:	سیر عرفان کُلون ری، صحنی، اغالی و حاضی صدر	
نویسنده / محقق:	محمد آبی	
مترجم:		
استاد راهنما:	دکتر محمد حسین بیابانچی	
استاد مشاور / استاد داور:	دکتر محمد تراه، دکتر محمد ابراهیم، دکتر سعید محمدی، دکتر سید علی	
کتابنامه:	رلد	
واژه نامه:		
نوع پایان نامه:	<input type="checkbox"/> بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی	
مقطع تحصیلی:	دکتری	سال تحصیلی: ۸۴-۸۵
محل تحصیل:	تهران	نام دانشگاه: علامه دانشگاه: ارباب
تعداد صفحات:	۳۵۰	گروه آموزشی: گروه زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی:	عرفان، عرفان کُلون ری، کلام، فلسفه، وجود	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:	عرفان، عرفان کُلون ری، کلام، فلسفه، وجود	

۱۳۸۷ / ۳ / ۱۱

چکیده

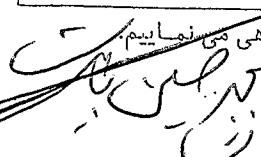
الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): ۱- تعریف رشتن عرفان، موضوع ورودی آن ۲- عرفان تطبیقی ریح و رابطه‌ی آن روح - اصول دعنا عرفان تطبیقی - سیر تصرف و عرفان تطبیقی در قرن سیم  
 ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه‌ها: ۳- عرفان تطبیقی، تحلیلی و فاضله‌ی ۵- مفاهیم در حاشیه و استنباط از آن  
 ج. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:  
 ۲- روش افتراق و اشتراک عرفان تطبیقی در قرن سیم  
 ۳- تحسین عرفان، تصرف عرفان تطبیقی، سیر تحول و تکامل آن ۴- بررسی و تحلیل عرفان تطبیقی در قرن سیم و فاضله

نمای آن در ربط با عرفان به طور اعم در این رساله و فاضله طراف

ت. یافته‌های تحقیق:

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

در قرن اول از عرفان تطبیقی خبری نیست و جوامع تمامی آن در قرن دوم زده شود  
 قرن سوم و قرن چهارم به تصرف به کوی است. در قرن پنجم عرفان محلی به تنگنای بود و اصول  
 و مبانی عرفان تطبیقی در آن شکل بریر است. در قرن پنجم رشتن به کمال نزدیک بود و استنباط  
 نهایی در فصل سیم به اجمال آمده است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم  
 نام استاد راهنما:   
 سمت علمی: دانشیار  
 نام دانشکده: ادبیات  
 رئیس کتابخانه:

هدیه :

به تمام

مومنان فانی و عاشقان صافی

## چکیده

رساله‌ی حاضر، به بررسی عرفان نظری، از منظر سنایی، غزالی و عین القضاة همدانی، می‌پردازد. هدف آن تبیین، تحلیل و ارزیابی اصول و عناصر عرفان نظری، در نگاه آنهاست. که سعی شده است دیدگاههای آنها، به طور دقیق و با توجه به نکات و ویژگی‌های اصلی، تبیین گردد. سپس، با مقایسه‌ی نقاط افتراق و اشتراک، تحلیل و ارزیابی نهایی، صورت گیرد. پیش از این، تبیین کامل عرفان، فرق آن با فلسفه، شریعت، کلام و تصوف و توضیح اصول و عناصر اساسی آن ضرور می‌نمود هم چنین پیدایش و سیر تصوف از قرن اول تا ششم بطور اعم و عرفان نظری به طور اخص، با توجه به فضای سیاسی، اجتماعی و دینی در قرن پنجم و ششم (قرن مورد مطالعه)؛ از جمله ضرورت‌هایی بود که انجام شد. و در پایان تحلیل و استنباط نهایی از آنها صورت گرفت.

کلید واژه:

عرفان و علم، عرفان نظری و عملی، فلسفه، شریعت، کلام، زهد و عبادت، تصوف، شناخت، ابزار و حد شناخت، حقیقت و راه وصول بدان، وحدت وجود، انسان کامل، عقل، عشق، فنا، ابلیس.

«بسمه تعالی»

## پیش گفتار

سپاس و حمد علیم حکیم را، که انسان را به شرف: «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» مسجود ملائیک ساخت. و به سر «أَنْتَ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» کرامت خلیفگی بخشید. و صلوات و درود بی پایان، بر محمد سرور کاینات، که نامش به «رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» زینت هستی و به «لَعَمْرُكَ» افتخار بنی آدم گشت.

و سپاس کریمی را که به کرم خویش، این ذره را توفیق بخشید؛ تا طالب خورشید گردد. و مورچه وار در پی خرمن دانش برآید. و «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» را شایسته‌ی «مَدِينَةُ الْعِلْمِ» بدانند. و خود ندای «مَا عَرَفْنَاكَ بِوَسْعِي» سر دهد. و شرمسار از بضات مزجات خود گردد. و «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَوَسْعَهَا» را عذر ناتوانی و «أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» را، عذر تلاش خویش بدانند. و پژوهشی هر چند اندک را، در عرفان و حکمت وجهی همت خویش سازد. و ملتمس معرفت و رحمت الهی و خواستار اغماض کریمانه‌ی عالمان عارف گردد که «أِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا».

این پژوهش، شامل شش فصل و در راستای تبیین، تحلیل و ارزیابی عرفان نظری، از منظر: سنایی، غزالی و قاضی همدانی به وجود آمد. تحقق این امر، پیش زمینه‌ها و تمهیداتی را می‌طلبد، که فصل اول و دوم، در پی آن نوشته شد. در فصل اول، معنای لغوی و اصطلاحی عرفان و فرق آن با علم، بیان گردید. و سعی شد، تعریف عرفان، از میان تراجم تعاریف، به روشنی بیان گردد.

و موضوع ، حد و غایت آن ، روشن شود . به این منظور، مقایسه‌ای بین فلسفه و عرفان از نظر موضوع، اهداف ، ابزار و روش صورت گرفت . و افتراق و اشتراک آن دو ، با نتیجه گیری بیان گردید . هم چنین ، بیان حد و مرز شریعت با عرفان و جایگاه زهد و عبادت در آن ، از ضرورت‌هایی بود که جریان عرفان اسلامی را ، از تصوف جدا می‌ساخت .

فرق عرفان عملی و نظری ، از جمله مقولاتی بود که بیشتر گفته شده ، اما کمتر کاویده و تبیین شده است . از این رو تلاش شد ، که حد و مرز دقیق و ظریف آنها ، به طریق تقسیم، تعریف و استشهاد و رابطه‌ی لاینفک‌شان، به طریق استدلال، بیان گردد . از آنجا که هدف اصلی این رساله، بررسی عرفان نظری به طور اخص، در سنایی، غزالی و عین القضاة بود ؛ لازم می‌نمود که اصول و عناصر عرفان نظری، به خوبی کاویده شود. تا درک درست و دقیقی از آنها ، صورت گیرد . از این رو ، تمام هم بر آن شد تا ضمن بهره‌مندی از تمامی تلاشهای صورت گرفته و بدون گرفتاری در دام نقل، به طریق : تعریف ، تقسیم، تحلیل و استدلال این مهم برآورده شود .

فصل دوم، فصل پیدایش و سیر اندیشه‌های عرفانی است . که سعی شده است جوانه‌ها، تطور، تحول ، شکل‌گیری و تکامل عناصر عرفانی با معرفی صوفیان مشهور و افراد شاخص ، از قرن اول تا ششم ، بیان گردد . و از آنجا که قرن پنجم و ششم ، قرن سنایی، غزالی و عین القضاة بود ؛ فضای سیاسی ، اجتماعی و دینی هم مورد بررسی قرار گرفت .

فصل سوم ، چهارم و پنجم ، بررسی عناصر عرفانی ( وحدت وجود، انسان کامل، عقل، عشق، فنا و ابلیس ) از منظر سنایی، غزالی و قاضی همدانی است . که به طریق : توصیف ، تحلیل، تقسیم و بیان ویژگی‌های اصلی ، صورت گرفته و نتیجه‌ی آن، بیان شده است .



فصل ششم ، فصل تحلیل و استنباط نهایی و شامل سه بخش است . که در بخش اول ، جریان تصوف به طور اعم ، مورد ارزیابی قرار گرفته؛ بدعت‌ها ، گمراهی‌ها و علت پیدایش آنها ، بیان گردیده است . بخش دوم، سیر عرفان نظری به طور اخص ، مورد مذاقه قرار گرفته ؛ شکل‌های تحول، تطور و تکامل مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است . بخش سوم، عناصر عرفانی مطرح در سنایی، غزالی و قاضی همدانی مقایسه شده ؛ استنباط و ارزیابی نهایی انجام یافته است .

در پایان ، بر خود لازم می‌داند از استادان گرامی ؛ جناب آقای دکتر محمد حسین بیات؛ استاد راهنما، و جناب آقای دکتر سید محمد ترابی و جناب آقای دکتر محمود بشیری ؛ استادان مشاور ، که خوشه چین دانش و معرفت آنها بوده و با راهنمایی و ارشادات فاضلانه و نظر صائب خویش ، این پژوهش را به فرجام رساندند؛ کمال تشکر و امتنان را داشته و از خداوند متعال ، خواستار توفیقات روزافزون این بزرگواران ، باشد . و سپاس از تمامی کسانی که در امر تایپ ، ویرایش و موارد دیگر ، یاری رسان بنده بوده‌اند .

و ما توفیقی الا بالله.

محمد آهی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>« فصل اول » کلیات</b>
۱۹.....	- چکیده‌ی فصل اول.....
	<b>بخش اول</b>
۲۰.....	۱-۱-۱- معنی لغوی عرفان.....
۲۳.....	۲-۱-۱- معنی اصطلاحی عرفان.....
۲۳.....	۳-۱-۱- موضوع، حد و غایت عرفان.....
۲۵.....	۴-۱-۱- مفهوم عرفان نزد پیشینیان.....
۲۵.....	۵-۱-۱- متد و روش عرفان.....
۲۸.....	۶-۱-۱- عرفان و تصوّف.....
۳۳.....	۷-۱-۱- عرفان و شریعت.....
۳۷.....	۸-۱-۱- عرفان و کلام.....
۳۸.....	۹-۱-۱- عرفان و فلسفه.....
۴۱.....	۱۰-۱-۱- ابزار و روش در فلسفه و عرفان.....
۴۳.....	۱۱-۱-۱- جایگاه زهد و عبادت در عرفان اسلامی.....
	<b>- بخش دوم</b>
۴۵.....	۱-۲-۱- عرفان عملی.....
۵۳.....	۲-۲-۱- عرفان نظری.....
۵۴.....	۳-۲-۱- رابطه‌ی عرفان عملی و نظری.....
	<b>- بخش سوم</b>
۵۷.....	۱-۳-۱- اصول و عناصر عرفان نظری.....
۵۷.....	۲-۳-۱- اثبات وجود از نظر عرفا.....
۵۸.....	۳-۳-۱- وجود از نظر عرفا دارای ویژگی‌های زیر است:
۵۸.....	۱- واجب است و موجود.....
۵۹.....	۲- قدیم است و پایان ناپذیر.....
۵۹.....	۳- نه جوهر است و نه عرض.....

- ۴- اصیل است..... ۶۰
- ۵- حقیقت شخصی است..... ۶۰
- ۶- حقیقت عینی است..... ۶۱
- ۷- دارای جلوه است..... ۶۱
- ۱-۳-۴- وحدت وجود از نظر عرفا..... ۶۴
- ۱-۳-۵- عشق..... ۶۹
- ۱-۳-۶- فنا..... ۷۲
- ۱- نابود شدن و عدم نیست..... ۷۲
- ۲- رفع حجابهاست..... ۷۲
- ۳- تبدیل است..... ۷۳
- ۴- تکامل است..... ۷۴
- ۵- بقا است..... ۷۵
- خلاصه‌ی فصل اول..... ۷۶
- نتیجه گیری فصل اول..... ۷۹

## «فصل دوم»

### سیر تصوف و عرفان نظری

- چکیده‌ی فصل دوم..... ۸۲
- بخش اول
- ۱-۱-۲- پیدایش و سیر اندیشه‌های عرفانی..... ۸۳
- ۲-۱-۲- قرن اول..... ۸۳
- ۳-۱-۲- قرن دوم..... ۸۴
- ۴-۱-۲- قرن سوم..... ۸۶
- ۵-۱-۲- عناصر مهم عرفانی از منظر صوفیه این قرن..... ۸۸
- ۱- محبت..... ۸۸
- ۲- تحیر و فنا..... ۸۸
- ۳- تصوف و صوفی..... ۸۹
- ۴- موت ایض..... ۸۹
- ۶-۱-۲- بایزید بسطامی..... ۹۰
- ۷-۱-۲- قرن چهارم..... ۹۵

۹۷.....	۲-۱-۸- حلاج
	<b>- بخش دوم</b>
۱۰۲.....	۲-۲-۱- قرن پنجم و ششم
۱۰۳.....	۲-۲-۲- فضای سیاسی قرن پنجم و ششم
۱۰۷.....	۲-۲-۳- فضای اجتماعی قرن پنجم و ششم
۱۱۲.....	۲-۲-۴- فضای دینی
۱۱۶.....	۲-۲-۵- تصوف در قرن پنجم و ششم
۱۲۲.....	- خلاصه‌ی فصل دوم
۱۲۶.....	- نتیجه‌گیری فصل دوم

### «فصل سوم»

#### عرفان نظری سنایی

۱۳۰.....	- چکیده‌ی فصل سوم
	<b>- بخش اول</b>
۱۳۲.....	۳-۱-۱- ثنای سنا، بیان فنا
	<b>- بخش دوم</b>
۱۳۵.....	- عناصر عرفانی از منظر سنایی
۱۳۵.....	۳-۲-۱- توحید
۱۳۶.....	۳-۲-۲- احدیت
۱۳۷.....	۳-۲-۳- واحدیت
۱۳۹.....	۳-۲-۴- ازل و ابد غلامان در گاهش
۱۴۲.....	۳-۲-۵- مخلوقات در نگاه توحیدی
	<b>- بخش سوم</b>
۱۴۵.....	- عقل
۱۴۵.....	۳-۳-۱- حقیقت عقل
۱۵۲.....	۳-۳-۲- صفات و عملکرد عقل
۱۵۴.....	۳-۳-۳- ضرورت و ارزش عقل
۱۵۶.....	۳-۳-۴- حدود عقل و آفات آن
۱۵۸.....	۳-۳-۵- بالندگی عقل
۱۵۹.....	۳-۳-۶- فواید عقل

### - بخش چهارم

- ۱۶۱.....۳-۴-۱- عشق سنایی  
۱۶۲.....۳-۴-۲- حقیقت عشق  
۱۶۵.....۳-۴-۳- ارزش و نتایج عشق  
۱۷۰.....۳-۴-۴- وصف عاشقان  
۱۷۴.....۳-۴-۵- رابطه‌ی عقل و عشق

### - بخش پنجم

- ۱۷۷.....- فنا از منظر سنایی  
۱۷۷.....۳-۵-۱- شرط لازم برای فنا داشتن همت والا  
۱۷۸.....۳-۵-۲- اولین مرحله، ترک پوستین است  
۱۸۲.....۳-۵-۳- دومین مرحله ترک پرسش‌های بی‌جا  
۱۸۳.....۳-۵-۴- سومین مرحله تسلیم و فهم بندگی  
۱۸۴.....۳-۵-۵- چهارمین مرحله استمرار بندگی و بقای در نیستی  
۱۸۷.....۳-۵-۶- یک زیان و تماماً سود؛ یک حبس و تماماً آزادی  
۱۸۸.....۳-۵-۷- ویژگی واصلان فانی

### - بخش ششم

- ۱۹۱.....۳-۶-۱- ابلیس از منظر سنایی  
۱۹۳.....- خلاصه‌ی فصل سوم  
۱۹۹.....- نتیجه‌گیری فصل سوم

### «فصل چهارم»

### عرفان نظری احمد غزالی

- ۲۰۴.....- چکیده‌ی فصل چهارم

### - بخش اول

- ۲۰۶.....۴-۱-۱- غزال سما، مرید صفا

### - بخش دوم

- ۲۰۸.....۴-۲-۱- توحید از منظر غزالی

- ۲۱۰.....۴-۲-۲- موحد

- ۲۱۱.....۴-۲-۳- فنا

### - بخش سوم

- ۲۱۶.....عقل از منظر غزالی.....۱-۳-۴  
۲۱۶.....هر چه عقل ادراک کند از آن طلب بیاید آسود.....۲-۳-۴  
۲۱۷.....تعطیلی عقل.....۳-۳-۴  
۲۰۹.....عقل، ناتوان از درک حقیقت عشق.....۴-۳-۴

### - بخش چهارم

- ۲۲۰.....عشق از منظر غزالی.....۱-۴-۴  
۲۲۲.....عشق و روح.....۲-۴-۴  
۲۲۵.....نهایت علم، ساحل عشق است.....۳-۴-۴  
۲۲۶.....کمال عشق، ملامت است.....۴-۴-۴  
۲۲۷.....کمال سکر، مانع دید کمال معشوق است.....۵-۴-۴  
۲۲۸.....محبت از «يُحِبُّهُمْ» خیزد.....۶-۴-۴  
۲۲۹.....عالم عشق، عالم حیرت است.....۷-۴-۴

### - بخش پنجم

- ۲۳۰.....ابلیس از منظر غزالی.....۱-۵-۴  
۲۳۰.....ذکر زیاد ابلیس.....۱-۵-۴  
۲۳۱.....دفاع غزالی از ابلیس.....۲-۵-۴  
۲۳۱.....متأثر از پیشینیان.....۱  
۲۳۲.....مقهور مشیت الهی است.....۲  
۲۳۳.....موحد حقیقی است.....۳  
۲۳۴.....خدمت، محبت و ذکر ابلیس بر دوام است.....۴  
۲۳۵.....داستان حضرت موسی(ع) و ابلیس.....۵  
۲۳۶.....تناقضات در گفتار غزالی.....۳-۵-۳

### - بخش ششم

- ۲۳۹.....سماع غزالی.....۱-۶-۴  
۲۴۲.....خلاصه‌ی فصل چهارم.....  
۲۴۷.....نتیجه گیری فصل چهارم.....

« فصل پنجم »

عرفان نظری قاضی همدانی

۲۵۰.....	- چکیده‌ی فصل پنجم.....
	<b>- بخش اول</b>
۲۵۲.....	۵-۱-۱- شرح حال، طرح یار.....
۲۵۳.....	۵-۱-۲- مذهب و طریقت عین القضاة.....
۲۵۵.....	۵-۱-۳- برکه استاد امّی قاضی.....
	<b>- بخش دوم</b>
۲۶۰.....	- اتهامات قاضی.....
۲۶۰.....	الف- اتهام عقیدتی.....
۲۶۰.....	۵-۲-۱- توحید.....
۲۶۰.....	۵-۲-۲- ثبوت.....
۲۶۱.....	۵-۲-۳- امامت.....
۲۶۱.....	۵-۲-۴- اتهام دعای ثبوت.....
۲۶۲.....	۵-۲-۵- اتهام سیاسی.....
۲۶۳.....	۵-۲-۶- اتهام اخلاقی.....
	<b>- بخش سوم</b>
۲۶۵.....	- عناصر عرفانی از منظر قاضی.....
۲۶۵.....	۵-۳-۱- انسان کامل.....
۲۶۵.....	۵-۳-۲- قلب سلیم.....
۲۶۷.....	۵-۳-۳- علم کامل.....
۲۷۰.....	۵-۳-۴- بندگی تام.....
۲۷۰.....	۵-۳-۵- محبت تام.....
۲۷۰.....	۵-۳-۶- نور تام.....
۲۷۱.....	۵-۳-۷- رؤیت.....
۲۷۲.....	۱- تکلم با خدا.....
۲۷۲.....	۲- فاوچی ما اوچی.....
۲۷۳.....	۳- لقا و بقا.....

### - بخش چهارم

- ۲۷۴..... عقل از منظر قاضی همدانی
- ۲۷۴..... ۱-۴-۵- عقل ناتوان از معارف ازلی
- ۲۷۵..... ۲-۴-۵- عقل برای درک اولیات
- ۲۷۶..... ۳-۴-۵- عقل عاجز از درک مطلقات
- ۲۷۷..... ۴-۴-۵- عقل ناتوان از صفات اطلاقی- انحصاری
- ۲۷۸..... ۵-۴-۵- اقرار عقل به عجز خویش
- ۲۷۹..... ۶-۴-۵- طوری فرا عقل
- ۲۷۹..... ۷-۴-۵- وجود حق را درک کند
- ۲۸۰..... ۸-۴-۵- ثبوت را تصدیق کند
- ۲۸۱..... ۹-۴-۵- احوال عشق را درک کند

### - بخش پنجم

- ۲۸۲..... عشق از منظر قاضی همدانی
- ۲۸۲..... ۱-۵-۵- ضرورت عشق
- ۲۸۳..... ۲-۵-۵- قداست عشق
- ۲۸۴..... ۳-۵-۵- عشق، افتاده‌ی نگاه
- ۲۸۴..... ۴-۵-۵- عیار عشق
- ۲۸۶..... ۵-۵-۵- نشانه‌ها و فواید
- ۲۸۷..... ۶-۵-۵- جامعیت عشق
- ۲۸۹..... ۷-۵-۵- غایت عشق، بدایت محبت

### - بخش ششم

- ۲۹۲..... ۱-۶-۵- فنا از منظر قاضی
- ۲۹۲..... ۲-۶-۵- اولین مرحله داشتن همت والا
- ۲۹۳..... ۳-۶-۵- دومین مرحله نفی حجاب‌ها
- ۲۹۴..... ۴-۶-۵- سومین مرحله آغاز موت معنوی
- ۲۹۴..... ۵-۶-۵- مرحله‌ی چهارم اضمحلال بشریت
- ۲۹۶..... ۶-۶-۵- مرحله‌ی پنجم تبدیل و تخلُّق
- ۲۹۷..... ۷-۶-۵- مرحله‌ی ششم لقا
- ۲۹۷..... ۸-۶-۵- مرحله‌ی هفتم بقا



- بخش هفتم

- ۳۰۰..... ۵-۷-۱- ابلیس از منظر قاضی
- الف- فلسفه‌ی وجودی ابلیس..... ۳۰۰
- ۵-۷-۲- و بضدها تتیین الاشیاء..... ۳۰۰
- ۵-۷-۳- نام « جباریت » خداست..... ۳۰۱
- ۵-۷-۴- دربان ممیز مدعیان است..... ۳۰۲
- ۵-۷-۵- زیبایی شاهد را موجب است..... ۳۰۲
- ۵-۷-۶- او عاشقان را به فنا می کشاند تا بقا یابند..... ۳۰۳
- ب- فلسفه‌ی سجودی ابلیس..... ۳۰۵
- ۵-۷-۷- در عین امر، نهی می کند..... ۳۰۵
- ۵-۷-۸- گناه ابلیس، عشق او با خداست..... ۳۰۶
- ۵-۷-۹- عاشق صادق است..... ۳۰۶
- ۵-۷-۱۰- او سر متکبران است..... ۳۰۸
- خلاصه‌ی فصل پنجم..... ۳۱۰
- نتیجه گیری فصل پنجم..... ۳۱۸

« فصل ششم »

تحلیل واستنباط نهایی

- چکیده‌ی فصل ششم..... ۳۲۲

- بخش اول

- ۶-۱-۱- سیر تصوف از آغاز تا قرن ششم..... ۳۲۳

- بخش دوم

- ۶-۲-۱- سیر عرفان نظری از آغاز تا قرن ششم..... ۳۲۷

- بخش سوم

- ۶-۳-۱- مقایسه‌ی دیدگاهها و استنباط نهایی از عرفان سنایی، غزالی و قاضی..... ۳۲۹

- کتابنامه..... ۳۳۶

## چکیده‌ی فصل اول

فصل اول شامل سه بخش است که در بخش اول سعی شده، حد و مرز عرفان از نظر لغوی و اصطلاحی دقیقاً روشن گردد. در حوزه‌ی لغوی تفاوت معنای آن با علم بیان شده و در حوزه‌ی اصطلاحی، از نظر موضوع، اهداف، ابزار و روش با فلسفه قیاس صورت گرفته تا افتراق و اشتراک آنها روشن گردد. بیان رابطه آن با دین، جایگاه زهد و عبادت از جمله تلاشی بود که مرز آن را با تصوف فلسفی روشن کرده است.

در بخش دوم سعی بر این بوده است که عرفان عملی و نظری به خوبی تحلیل شود و حد و مرز آنها که بسیار ظریف و دقیق می‌باشد به طریق استشهاد، عینیت یابد و رابطه‌ی لا ینفک آنها، تأثیر و تأثرشان به طریق استنباط و استدلال تبیین گردد.

در بخش سوم، با تقسیم‌بندی و تحلیل صفات ذاتی عناصر عرفانی، سعی شده تصور بسیار روشنی از آنها ارائه گردد. در تمام بخش‌ها از انواع شیوه‌های پرورش معانی نظیر تعریف، توصیف، برهان، استدلال، قیاس، استشهاد و تقسیم‌بندی سود جسته است.

## فصل اول

### - بخش اول

#### ۱-۱-۱- معنی لغوی عرفان.

عرفان از نظر لغوی مصدری ثلاثی مجرد به معنی دانستن و شناختن است. عَرَفَ-عَرَفَهُ

وعرفاناًومَعْرِفَهُ الشَّيْءَ. آن را دانست. بدان آگاه شد.(المنجد)

«راغب ذیل «عرف» گفته است معرفت و عرفان درك و شناختن شیء است با تفکر و تدبیر در اثر

آن شی و آن اخص از علم است. گویند: «فَلَانٌ يَعْرِفُ اللَّهَ» نگویند «يَعْلَمُ اللَّهُ» که معرفت بشر به خدا با

تفکر در آثار اوست نه با ادراک ذاتش. و گویند «اللَّهُ يَعْلَمُ كَذَا» نگویند: «يَعْرِفُ كَذَا» زیرا که معرفت

قاصر از علم و محصول تفکر است. یعنی؛ عرفان نسبت به علم شناخت ناقصی است.

شناخت علمی یک شناخت کامل و مبرهنی است و علم در قرآن در معانی زیر آمده است:

۱- به معنی «دانستن»: قالو سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا. فرشتگان گفتند پاک و منزله‌ای تو. ما

علمی جز آنکه به ما یاد داده‌ای نداریم. (بقره ۳۲).

۲- به معنی «اظهار و روشن کردن» وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

الظالمين. و خداوند تبارك و تعالی کسانی را که ایمان آوردند معلوم گرداند و روشن سازد و از میان

شما گواه و شاهد بگیرد و خداوند ظالمین را دوست نمی‌دارد. (آل عمران ۱۴۰) طبرسی ذیل همین

آیه فرموده است خدا قبل از اظهار می‌داند آنها از حیث ایمان متمایز می‌شوند و پس از اظهار می‌داند

که متمایزاند پس تغییر در معلوم است نه در علم. و به قولی معنی آن است: تا خدا معلوم را ظاهر سازد.

۳- به معنی دلیل و حجت. مثل: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ (کهف ۵ و ۴) گفتند خداوند فرزندی برای خود گرفته است آنها و پدرانشان دلیلی به این گفته ندارند.» (تلخیص از قاموس قرآن ذیل علم)

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱- علم از صفات الهی است اما معرفت جزء صفات الهی نیست بنابراین در قرآن کریم حتی یک بار معرفت به خداوند تبارک و تعالی نسبت داده نشده است.

۲- تعلیم و تعلم عامتر از تعریف (شناساندن) و تعرف (شناخته گردیدن) می‌باشد.

۳- شناخت علمی هم ممکن است حضوری یا حصولی باشد لیکن شناخت عرفانی، فقط حضوری است.

۴- علم مرحله‌ی کمال معرفت است. چرا که در قرآن کریم بارها از زبان پیامبران الهی وقتی سخن از آگاهی ویژه و عمیق است، واژه‌ی علم به کار می‌رود و هر گاه که به شناخت سطحی اشاره می‌رود از واژه‌ی عرفان استفاده می‌شود. مثلاً سوره‌ی حجرات آیه‌ی ۴۹: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. و خداوند شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار داده است تا همدیگر را بشناسید، بیانگر شناخت‌های ظاهری نظیر: نژاد، قبیله، زبان و... است و آیه‌ی ۹۶ سوره‌ی یوسف بیانگر شناخت عمیق و ویژه است آنجا که بشیر پیراهن یوسف را می‌آورد، حضرت یعقوب به خانواده‌اش می‌گوید: «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ». گفت آیا به شما نگفتم که به یقین من از طرف خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید که این بیانگر علم ویژه‌ای است که خداوند به یعقوب پیامبر